

کتاب دانیال - شماره یکصد و شصت و یک

نقش روم در استقرار رؤیای نبوت کتاب مقدس: بررسی‌ای تفصیلی از فصل یازدهم دانیال

Jeff Pippenger

2024-03-27

رؤیای باب یازدهم دانیال، نقطه اصلی ارجاع برای همه رؤیاهای نبوت کتاب مقدس است، و رؤیای باب یازدهم به وسیله نماد روم استوار می‌گردد.

و در آن زمان‌ها بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخوانند خاست؛ همچنین زورآوران قوم تو خود را برخوانند افراشت تا رؤیا را استوار سازند؛ اما سقوط خواهند کرد. دانیال ۱۱:۱۴.

جونز به آیه پیشین چنین می‌پردازد:

«وقتی اموریان پیمانۀ شرارت خویش را پر کردند، جای ایشان به اسرائیل، قوم خدا، داده شد. و چون اسرائیل نیز، در پیروی از راه امت‌ها، جام گناه را لبریز ساخت، خدا پادشاهی بابل را برانگیخت و همه چیز را بازگرفت. و چون بابل جام شرارت خود را پر کرد، قدرت به پارس منتقل شد. و هنگامی که فرشته به سبب شرارت پارسیان روی برگردانید، آنگاه رئیس یونان درمی‌آید و آن را جاروب‌کنان از میان برمی‌برد.»

«و قدرت یونان تا چه زمانی باید ادامه می‌یافت؟ در چه هنگام می‌بایست درهم شکسته شود؟ «آنگاه که عاصیان به کمال رسیده باشند.» آن قوم برقرار می‌ماند تا پیمانۀ گناه خود را پر کند، و سپس قدرت به پادشاهی دیگری منتقل می‌شود. آن قدرتی که به آن منتقل شد، قدرت روم بود، چنان‌که از دانیال 11:14 درمی‌یابیم. «و در آن زمان‌ها بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخوانند خاست؛ و نیز غارتگران قوم تو سر برخوانند آورد تا رؤیا را برقرار سازند؛ اما ساقط خواهند شد.» این قوم به عنوان قومی از غارتگران معرفی شده است—فرزندان غارتگران، چنان‌که حاشیۀ متن می‌گوید.»

«اینان همان کسانی‌اند که اکنون پادشاهی به ایشان داده می‌شود؛ و برای چه؟—«فرزندان غارتگران خویشتن را برخوانند افراشت تا رؤیا را برقرار سازند.» هنگامی که این ملت بر صحنه ظاهر می‌شود، آنگاه آنچه رؤیا را برقرار می‌سازد وارد می‌گردد؛ آنچه یکی از عظیم‌ترین مقاصد رؤیاست، آن یگانه نشانه اصلی در خط سیر رؤیایی که خدا از طریق انبیا برای تمامی اعصار عطا کرده است.» A. T. Jones, The Columbian Year and the Meaning of the Four Centuries, 6

Jones dice que cuando el poder romano «entra en escena, entonces irrumpe aquello que establece la» ... «línea de visión que Dios ha dado por medio de los profetas para todo el tiempo». En la historia de Miller, los protestantes enseñaban, tal como ahora lo hace el adventismo de Laodicea, que los ladrones de tu pueblo representan a Antíoco Epífanes, un rey seléucida que gobernó del 175 al 164 a. C. Era miembro de la dinastía seléucida, la cual fue uno de los estados sucesores griegos que surgieron de la desintegración del imperio de Alejandro Magno. El desacuerdo sobre este asunto fue tan específico en la historia millerita, que la identificación de Antíoco Epífanes está representada en el cuadro pionero de 1843

چارٹ میں انطیوکس کا حوالہ اس واحد چیز کا حوالہ ہے جو خدا کے نبوی کلام میں نہیں پائی جاتی۔ اسے وہاں اُس زمانہ کے پروٹسٹنٹوں کی جھوٹی تعلیمات کی تردید کے لیے رکھا گیا ہے، اور یہی اب لاؤڈیسیائی ایڈونٹ ازم کی جھوٹی تعلیم ہے۔ آیا ولیم ملرنے اس اہمیت کی گہرائی کو سمجھا تھا کہ روم وہ زمینی قوت ہے جو اُس ”رویت کی لکیر کو قائم کرتی ہے جو خدا نے تمام زمانوں کے لیے نبیوں کے وسیلہ سے دی ہے،“ یہ مشکوک ہے؛ لیکن یہ بات اتنی واضح ضرور تھی کہ مضبوطی کے ساتھ اس حقیقت کا دفاع کیا جا سکے کہ روم ہی اس رویت کو قائم کرتا ہے۔

جہاں رویا نہیں ہوتی، وہاں لوگ ہلاک ہو جاتے ہیں؛ لیکن جو شریعت پر عمل کرتا ہے، وہ مبارک ہے۔ امثال 28:14۔

سلیمان ثبت کرد کہ ہر جا رؤیا نباشد، قوم ہلاک می‌شوند، و واژہ عبری «رؤیا» در آیہ چہارمہ ہمان واژہ‌ای است کہ در مَثَل سلیمان آمدہ است۔ این رؤیا مسئلہ‌ای مرگ و زندگی است، و «رؤیا» بہ وسیلہ نماد روم تثبیت می‌گردد۔ واژہ «رؤیا» در آیہ چہارمہ ہمان واژہ‌ای است کہ برای رؤیا در حقوق، باب دو، بہ کار رفتہ است۔

بر برج دیدبانی خویش خواہم ایستاد، و بر حصار برپا خواہم شد، و دیدہ بان خواہم بود تا ببینم او با من چہ خواہد گفت، و چون توبیخ شوم، چہ پاسخ دہم۔ و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها روشن و آشکار ساز، تا ہر کہ آن را می‌خواند، بشتابد۔ زیرا رؤیا ہنوز برای زمانی معین است، اما در پایان سخن خواہد گفت و دروغ نخواہد گفت؛ اگرچہ درنگ نماید، منتظرش بمان، زیرا بہ یقین خواہد آمد و تأخیر نخواہد کرد۔ حقوق ۲:۳-۳

لفظ «reproved» در آیہ نخست، بہ معنای «مجادلہ کرد» است۔ ویلیام میلر در تاریخ جنبش فرشتہ اول و دوم، دیدہ بانی بود کہ بر برج گماشتہ شدہ بود؛ و ہنگامی کہ در نمادگرایی نبوتی پرسید کہ در مجادلہ تاریخ خود چہ پاسخ باید بدهد، بہ او گفتہ شد کہ رؤیا را بنویسد؛ ہمان رؤیایی کہ بہ وسیلہ نماد روم تثبیت می‌گردد۔ مطابق با این حقیقت، ہنگامی کہ میلری‌ها در تحقق این سہ آیہ از حقوق، نمودار پیشگام ۱۸۴۳ را تہیہ کردند، بہ کانون اصلی ہمان مجادلہ‌ای کہ در آن درگیر بودند اشارہ کردند۔ بی‌تردید آنان درک نمی‌کردند کہ ارجاعشان بہ استدلال ابلہانہ این کہ آنتیوخوس اپیفانس ہمان قدرتی بود کہ رؤیا را تثبیت کرد، نمایانگر مجادلہ باب دوم حقوق است؛ اما خواہر وایت گفت آن نمودار «بہ ہدایت دست خداوند ترسیم شدہ بود و نباید تغییر دادہ شود»، از این رو ارجاع بہ آن مجادلہ در نمودار، از دست خدا بود۔

میلریتیان بہ درستی دریافتند کہ نخستین نومیدی در ۱۹ اپریل ۱۸۴۴، زمان درنگ را آغاز کرد؛ ہمان زمانی کہ در حقوق و نیز در مَثَل دہ باکرہ در انجیل متی بہ آن اشارہ شدہ است۔ آنان ہمچنین دریافتند کہ آن دو نبوت بہ طور مستقیم با فصل دوازدم حزقیال پیوند دارند، جایی کہ حزقیال دورہ‌ای از زمان را مشخص می‌سازد کہ در آن، تحقق اثر ہر رؤیا واقع خواہد شد۔ آن واژہ «رؤیا» ہمان واژہ عبری‌ای است کہ اکنون در حال بررسی آن ہستیم۔ از ہمین رو جونز درست می‌گوید: «ہنگامی کہ» روم «بر صحنہ ظاہر می‌شود، آنگاہ آنچہ رؤیا را استوار می‌سازد وارد می‌گردد، آنچہ یکی از اہداف بزرگ رؤیاست، آن یگانہ نشانہ اصلی در خط رؤیا کہ خدا از طریق انبیا برای تمامی اعصار عطا کردہ است۔» روم تمام رؤیای کلام نبوی خدا را استوار می‌سازد، و بہ طور مشخص تر، این روم است کہ سراسر ساختار فصل یازدم بر آن بنا شدہ است۔

ہنگامی کہ خواہر وایت بہ تحقق نہایی فصل یازدم دانیال اشارہ می‌کند و بیان می‌دارد کہ «بخش زیادی از تاریخی کہ در تحقق این نبوت روی دادہ است، تکرار خواہد شد»، او مشخص می‌سازد کہ تاریخ‌های فصل یازدم کہ پیش تر تحقق یافتہ بودند، نمونہ‌ای از آیات پایانی فصل یازدم دانیال بودہ‌اند۔ موضوع آیات پایانی فصل یازدم، پادشاہ شمال است، کہ در آنجا نمایندہ روم جدید است۔

بنابراین، تاریخ‌های فصل یازدهم دانیال که تکرار می‌شوند، تاریخ‌هایی هستند که نمایانگر روم‌اند.

در شش آیه پایانی باب یازدهم، روم جدید (پادشاه شمال) سه قدرت جغرافیایی را فتح می‌کند. در آیه چهل، او پادشاه جنوب را (اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۸۹)، سرزمین جلال را (ایالات متحده در قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد)، و مصر را (تمام جهان، آن گونه که به وسیله سازمان ملل متحد نمایندگی می‌شود) مغلوب می‌سازد. در دانیال یازده، روم بت‌پرست چنین ترسیم شده است که برای به تصرف درآوردن جهان شناخته شده آن زمان، سه قدرت جغرافیایی را فتح می‌کند؛ و سپس روم پاپی چنین ترسیم شده است که برای به تصرف درآوردن زمین، سه قدرت جغرافیایی را فتح می‌کند.

روم بت‌پرست نخستین بار در این فصل، در آیه چهارده، ذکر می‌شود تا به عنوان نمادی که رؤیا را برقرار می‌سازد شناسانده شود؛ اما عروج آن به قدرت تا آیه شانزده مورد بحث قرار نمی‌گیرد. پادشاهی اسکندر کبیر در تحقق کلام نبوی خدا به چهار بخش تقسیم شد، اما آن چهار بخش به سرعت در دو خصم اصلی ادغام شدند که در روایت نبوی‌ای که تا پایان فصل ادامه می‌یابد، یا به عنوان پادشاه جنوب یا پادشاه شمال شناخته می‌شوند. در آیه چهارده، قدرتِ رو به ظهور روم به عنوان قدرتی ذکر می‌شود که رؤیا را برقرار می‌سازد، اما موضوعاتی که مورد بررسی قرار می‌گیرند، کشاکش‌ها میان بازمانده‌های پادشاهی اسکندر است، چنان‌که به وسیله پادشاهان شمال و جنوب نمایانده شده‌اند.

در آیه پانزدهم، آن دو پادشاه هنوز درگیر کشمکش خود هستند و پادشاه شمال غالب می‌باشد. اما در آیه شانزدهم، روم وارد می‌شود و آیه می‌گوید: «اما آن که بر ضد او می‌آید»، یعنی هنگامی که روم بر ضد پادشاه شمال که تازه بر پادشاه جنوب غالب شده بود می‌آید، پادشاه شمال نخواهد توانست در برابر روم ایستادگی کند. روم غالب می‌شود، و در آیه شانزدهم، روم نیز می‌بایست در سرزمین جلال، یعنی یهودا، بایستد. در آیه هفدهم، روم «روی خود را خواهد نهاد تا با قوت تمامی مملکت خویش داخل شود». او پادشاه شمال را که نتوانسته بود در برابر او بایستد، گرفت؛ سپس یهودا را گرفت؛ آنگاه به مصر داخل شد.

اور اُن ایام میں بہت سے لوگ بادشاہ جنوب کے خلاف اُٹھ کھڑے ہوں گے؛ اور تیرے لوگوں میں سے لٹیڑے بھی رؤیا کو قائم کرنے کے لیے سر اُٹھائیں گے، لیکن وہ گر پڑیں گے۔ تب بادشاہ شمال اُٹے گا، اور دمدمہ باندھے گا، اور مضبوط ترین شہروں کو لے لے گا؛ اور جنوب کے بازو ٹھہر نہ سکیں گے، نہ اُس کے برگزیدہ لوگ، اور نہ مقابلہ کرنے کی کوئی طاقت ہوگی۔ لیکن جو اُس پر چڑھائی کرے گا وہ اپنی مرضی کے مطابق عمل کرے گا، اور کوئی اُس کے سامنے ٹھہر نہ سکے گا؛ اور وہ اُس جلالی سرزمین میں کھڑا ہوگا، جو اُس کے ہاتھ سے تباہ کی جائے گی۔ وہ یہ بھی ارادہ کرے گا کہ اپنی ساری مملکت کی قوت کے ساتھ، اور راستبازوں کو اپنے ساتھ لے کر داخل ہو؛ اور وہ ایسا ہی کرے گا؛ اور وہ اُسے عورتوں کی بیٹی دے گا تاکہ اُسے بگاڑے؛ لیکن وہ نہ اُس کی طرف قائم رہے گی، اور نہ اُس کے لیے ہوگی۔ دانی ایل 11:14-17.

غلبہ‌ای کہ در این آیات به تصویر کشیده شده است، تحقق فصل هشتم کتاب دانیال است.

اور اُن میں سے ایک سے ایک چھوٹا سا سینگ نکلا، جو بہت بڑا ہوتا گیا، جنوب کی طرف، اور مشرق کی طرف، اور خوشنما ملک کی طرف۔ دانی ایل 8:9.

شاخ کوچک آیه نهم، روم بت‌پرست است، و آیه نهم، در هماهنگی با آیات چهاردهم تا هفدهم باب یازدهم، نشان می‌دهد که روم بت‌پرست، هنگام به دست گرفتن زمام جهان، سه موجودیت جغرافیایی را فتح خواهد کرد. آن موجودیت‌ها عبارت بودند از جنوب (مصر)، مشرق (سوریه، پادشاه شمال) و سرزمین خوش‌منظر (یهودا). تاریخ آیات شانزدهم و هفدهم، نمونه‌وار بر فتح تاریخی سه مرحله‌ای روم جدید در آیات چهل تا چهل‌وسه دلالت دارد؛ زیرا، چنان‌که خواهر وایت اظهار داشته است، «بخش

عظیمی از تاریخی که در تحقق این نبوت رخ داده است، تکرار خواهد شد.»

«با آنکه مصر نتوانست در برابر آنتیوخوس، پادشاه شمال، ایستادگی کند، آنتیوخوس نیز نتوانست در برابر رومیان، که اکنون بر ضد او آمده بودند، پایدار بماند. دیگر هیچ پادشاهی‌ای قادر نبود در برابر این قدرت رو به عروج مقاومت کند. سوریه مغلوب شد و به امپراتوری روم ملحق گردید، هنگامی که پومپی، در سال 65 ق.م، آنتیوخوس آسیاتیکوس را از متصرفاتش محروم ساخت و سوریه را به یک ایالت رومی تبدیل کرد.»

«همان قدرت نیز می‌بایست در سرزمین مقدس بایستد و آن را ببلعد. روم در سال ۱۶۲ پیش از میلاد از راه اتحاد با قوم خدا، یعنی یهودیان، پیوند یافت، و از آن تاریخ در گاه‌شمار نبوی جایگاهی برجسته به دست می‌آورد. با این همه، تا سال ۶۳ پیش از میلاد از طریق فتح واقعی بر یهودیه سلطه نیافت؛ و آن‌گاه این امر به ترتیب زیر واقع شد.

«هنگامی که پومپیوس از لشکرکشی خود بر ضد مهرداد، پادشاه پونتوس، باز می‌گشت، دو مدعی، هیرکانوس و آریستوبولوس، برای تاج و تخت یهودیه در کشاکش بودند. دعوای ایشان نزد پومپیوس مطرح شد، و او به زودی بی‌عدالتی دعوای آریستوبولوس را دریافت؛ اما خواست که تصمیم در این امر را تا پس از لشکرکشی دیرآرزوی خود به عربستان به تعویق اندازد، با این وعده که سپس بازگردد و امور ایشان را چنان‌که عادلانه و شایسته بنماید، فیصله دهد. آریستوبولوس، چون از احساسات واقعی پومپیوس آگاه شد، شتابان به یهودیه بازگشت، رعایای خود را مسلح ساخت، و برای دفاعی سخت و نیرومند آماده شد، مصمم بر آن که به هر قیمت، تاجی را که پیش‌بینی می‌کرد به دیگری واگذار خواهد شد، برای خود نگاه دارد. پومپیوس از نزدیک در تعقیب آن گریخته بود. چون به اورشلیم نزدیک شد، آریستوبولوس، که از رفتار خود به توبه می‌آمد، به استقبال او بیرون آمد و کوشید با وعده تسلیم کامل و مبالغ هنگفتی پول، کار را به مصالحه بکشاند. پومپیوس، با پذیرفتن این پیشنهاد، گابینیوس را در رأس دسته‌ای از سربازان فرستاد تا پول را دریافت کند. اما هنگامی که آن سپهسالار به اورشلیم رسید، دروازه‌ها را به روی خود بسته یافت، و از فراز حصارها به او گفته شد که شهر بر آن توافق پایدار نخواهد ماند.»

«پومپی، تا فریب خوردن بدین‌گونه را بی‌کیفر نگذارد، آریستوبولوس را که نزد خود نگاه داشته بود، به زنجیر کشید و پی‌درنگ با تمامی سپاه خویش به سوی اورشلیم حرکت کرد. هواداران آریستوبولوس بر آن بودند که شهر را دفاع کنند؛ و طرفداران هیرکانوس، که دروازه‌ها را بگشایند. چون گروه دوم در اکثریت بودند و غلبه یافتند، پومپی آزادانه به شهر راه داده شد. آنگاه پیروان آریستوبولوس به کوه معبد عقب نشستند، با عزمی به همان اندازه استوار برای دفاع از آن مکان که پومپی برای تسخیرش داشت. در پایان سه ماه، در دیوار رخنه‌ای پدید آمد که برای یورش کافی بود، و آن موضع به دم شمشیر گرفته شد. در کشتار هولناکی که در پی آمد، دوازده هزار تن کشته شدند. مورخ می‌نویسد، منظره‌ای جان‌گداز بود که کاهنان را، در حالی که در آن هنگام به خدمت الهی مشغول بودند، بنگری که با دستی آرام و قصدی استوار، کار معمول خویش را دنبال می‌کردند، گویی از آشوب سهمگینی که پیرامونشان برپا بود هیچ آگاهی نداشتند؛ هرچند در اطراف ایشان دوستانشان به کشتار سپرده می‌شدند، و هرچند بارها خون خود آنان با خون قربانی‌هایشان درهم می‌آمیخت.»

«پس از آنکه به جنگ پایان داد، پومپی دیوارهای اورشلیم را فرو ریخت، چندین شهر را از قلمرو یهودیه به حوزه اقتدار سوریه منتقل کرد، و بر یهودیان خراج مقرر داشت. بدین‌سان، اورشلیم برای نخستین بار به واسطه فتح در دست آن قدرت قرار گرفت که می‌بایست «سرزمین جلال» را در چنگال آهنین خود نگاه دارد تا آن را به کلی نابود سازد.

«آیه ۱۷. او نیز روی خود را خواهد نهاد تا با قوت تمامی مملکت خویش داخل شود، و راستان با او باشند؛ و چنین خواهد کرد: و دختر زنان را به او خواهد داد تا او را فاسد سازد؛ اما او بر جانب وی استوار نخواهد ماند و از آن او نخواهد بود.»

«اسقف نیوتن برای این آیه قرائتی دیگر ارائه می‌کند که به نظر می‌رسد معنای آن را روشن‌تر بیان می‌دارد، بدین‌قرار: "او همچنین عزم خود را جزم خواهد کرد تا با قوه قهریه به تمامی آن مملکت داخل شود." آیه ۱۶ ما را تا زمان فتح سوریه و یهودیه به دست رومیان پیش آورد. روم پیش‌تر مقدونیه و تراکیه را فتح کرده بود. اکنون مصر تنها بخشی بود که از "تمامی آن مملکت" اسکندر باقی مانده و هنوز به سلطه قدرت روم درنیامده بود؛ قدرتی که اینک عزم خود را جزم کرده بود تا به قهر در آن سرزمین داخل شود.» یورایاه اسمیت، Daniel and the Revelation، 258-260

ما پیش‌تر، بیش از یک‌بار در این مقالات، اشاره کرده‌ایم که آیات سی و سی‌ویک دانیال یازده چگونه با آیات چهل و چهل‌ویک منطبق هستند، و تاریخ آیات سی و سی‌ویک نیز با برکنده شدن سه شاخ هم‌راستا است.

من آن شاخ‌ها را نگرستم، و اینک در میان آن‌ها شاخ کوچکی دیگر برآمد، که پیش روی آن، سه شاخ از شاخ‌های نخستین از بیخ کنده شدند؛ و اینک در این شاخ، چشمانی چون چشمان انسان بود، و دهانی که سخنان عظیم می‌گفت. ... و درباره آن ده شاخ که بر سر او بودند، و درباره آن دیگری که برآمد و پیش روی آن سه شاخ فرو افتادند؛ یعنی همان شاخی که چشمان داشت و دهانی که سخنان بسیار عظیم می‌گفت، و منظرش از یارانش مهیب‌تر بود. دانیال ۷:۸، ۲۰.

همان‌گونه که دانیال باب هشت، آیه نه، سه ناحیه جغرافیایی کشورگشایی را که روم بت‌پرست را بر تخت استوار ساخت، به تصویر می‌کشد، برکنده شدن شاخ‌ها نیز (که نمایانگر هرولی‌ها، استروگوت‌ها و وندال‌هاست) سه ناحیه جغرافیایی کشورگشایی را نمایان می‌سازد که روم پایی را بر تخت استوار ساخت. هر دو آن تاریخ‌ها با آیات چهل تا چهل‌وسه از دانیال یازده هم‌سو هستند، و برکنده شدن آن سه شاخ با تاریخ آیات سی و سی‌ویک مطابقت دارد.

«آیه ۸. در شاخ‌ها تأمل می‌کردم، و اینک شاخ کوچک دیگری در میان آنها برآمد، که پیش روی آن سه شاخ از شاخ‌های نخستین از ریشه برکنده شدند؛ و اینک در این شاخ، چشمانی مانند چشمان انسان بود، و دهانی که سخنان بزرگ می‌گفت.»

«دانیال به شاخ‌ها نگرست. نشانه‌های حرکتی شگفت در میان آنها پدیدار شد. شاخی کوچک (که در آغاز کوچک بود، اما سپس از همتایان خود نیرومندتر شد) در میان آنها سر برآورد. به این بسنده نکرد که آرام‌آرام برای خود جایگاهی بیابد و آن را پر کند، بلکه می‌بایست برخی از دیگران را کنار زند و جای آنان را غصب کند. سه پادشاهی پیش روی آن از ریشه برکنده شدند. این شاخ کوچک، چنان‌که بعدتر فرصت خواهیم داشت آن را کامل‌تر ملاحظه کنیم، همان پاپیت بود. آن سه شاخی که پیش روی آن از ریشه برکنده شدند، هرولی‌ها، استروگوت‌ها، و وندال‌ها بودند. و سبب اینکه از ریشه برکنده شدند این بود که با تعلیم و ادعاهای سلسله‌مراتب پاپی مخالف بودند، و از این‌رو با برتری اسقف روم در کلیسا مخالفت می‌ورزیدند.»

«و» در این شاخ چشمانی مانند چشمان انسان، و دهانی که سخنان بزرگ می‌گفت، وجود داشت؛ آن چشمان، نمادی شایسته از زیرکی، تیزبینی، مکاری، و دوراندیشی سلسله‌مراتب پاپی بودند؛ و آن دهان که سخنان بزرگ می‌گفت، نمادی شایسته از ادعاهای متکبرانه اسقفان روم بود.» یوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، ۱۳۲-۱۳۴.

این روم است کہ رؤیای نبوت کتاب مقدس، و به ویژه رؤیای دانیال باب یازدهم را برقرار می سازد. در آن باب، بخش بزرگی از تاریخ نبوی کہ پیش از جنبش میلری تحقق یافته بود، می بایست در شش آیہ آخر دانیال یازده تکرار شود. غلبہ بر سه مانع جغرافیایی کہ ہم روم بت پرست و ہم روم پاپی را بر تخت استوار ساخت، در باب یازدهم به تصویر کشیدہ شدہ است، و آن دو تصویر، زمان برپا شدن دوبارہ روم جدید بر تخت را نمونہ وار می نمایانند. این روم است کہ رؤیا را برقرار می سازد، و پولس تصریح می کند کہ روم پاپی در زمان خویش مکشوف می گردد.

کسی بھی طرح کوئی شخص تمہیں فریب نہ دے، کیونکہ وہ دن نہیں آئے گا جب تک کہ پہلے برگشتگی نہ واقع ہو، اور وہ مرد گناہ ظاہر نہ کیا جائے، یعنی ہلاکت کا فرزند؛ جو ہر اُس چیز کی مخالفت کرتا اور اپنے آپ کو اُس سب پر بلند کرتا ہے جو خدا کہلاتی ہے یا جس کی پرستش کی جاتی ہے؛ یہاں تک کہ وہ خود خدا بن کر خدا کے پیکل میں بیٹھتا ہے اور اپنے آپ کو ظاہر کرتا ہے کہ وہ خدا ہے۔ کیا تمہیں یاد نہیں کہ جب میں ابھی تمہارے ساتھ تھا تو یہ باتیں تم سے کہا کرتا تھا؟ اور اب تم جانتے ہو کہ کون سی چیز مانع ہے تاکہ وہ اپنے وقت پر ظاہر کیا جائے۔ 2 تھسلنیکوں 2:3-6۔

پاپائیت در سال ۵۳۸ به عنوان پنجمین پادشاہی نبوت کتاب مقدس بر تخت نشست، و بسیاری کہ آیہ شش را در نظر می گیرند، بی گمان چنین فرض خواهند کرد کہ مقصود پولس این است کہ «پاپائیت در سال ۵۳۸ آشکار می گردید.» این ممکن است درست باشد، اما دست کم حقیقتی ثانوی از آن چیزی است کہ پولس به آن اشارہ می کرد. پولس، همچون ہمہ انبیا، بیش از آنکہ از دورہ زمانی خود سخن بگوید، دربارہ ایام آخر سخن می گوید. او به این اشارہ داشت کہ پاپائیت چگونه به گونه ای نبوی آشکار خواهد شد؛ زیرا او، به عنوان نبی، با ہمہ انبیای دیگر ہم عقیدہ بود. حکم بر حکم؛ آنان کہ رؤیا ندارند ہلاک می شوند، و آنان کہ رؤیا ندارند، رؤیا ندارند زیرا نمی دانند چہ چیزی رؤیا را برپا می سازد. دانستن اینکہ روم رؤیا را برپا می سازد، درکی مرگ و زندگی است. پولس، در توافق با دیگر انبیا، مشخص می سازد کہ آنچه روم پاپی را آشکار می کند، یعنی آن رومی را کہ روم ایام آخر است، «زمان او» است. «زمان» نبوی مرتبط با روم، همان چیزی است کہ آشکار می سازد روم چیست و کیست.

ما این مطالعه را در مقالہ بعدی ادامہ خواهیم داد.

رسول پولس نے تھسلنیکوں کے نام اپنے دوسرے خط میں اُس عظیم ارتداد کی پیشین گوئی کی جو پاپائی اقتدار کے قیام پر منتج ہونا تھا۔ اُس نے اعلان کیا کہ مسیح کا دن نہیں آئے گا، ”جب تک پہلے دین سے برگشتگی نہ ہو جائے، اور وہ گناہ کا آدمی، یعنی ہلاکت کا فرزند، ظاہر نہ ہو؛ جو ہر اُس چیز کی مخالفت کرتا اور اپنے آپ کو اُس سب سے بلند کرتا ہے جو خدا کہلاتی ہے یا پوجی جاتی ہے؛ یہاں تک کہ وہ خود کو خدا ظاہر کرتے ہوئے خدا کے پیکل میں خدا بن کر بیٹھتا ہے۔“ اور مزید برآں، رسول اپنے بھائیوں کو خبردار کرتا ہے کہ ”بدی کا بھید تو اب بھی اثر کر رہا ہے۔“ 2 تھسلنیکوں 2:3، 4، 7۔ اُس ابتدائی زمانے ہی میں اُس نے دیکھا کہ کلیسیا میں ایسی گمراہیاں در آ رہی ہیں جو پاپائیت کی نشوونما کے لیے راہ ہموار کریں گی۔

رب و تفرگ وریں رتشیب ہچرہ سسپس و، یشوماخ و ناہن رد تسخن، مکامک
ار دوخ زیم آرفک و ہدنب یرف راک ”ینی دی ب رس“، تفای طلست اہناسنا ی اہان ہذ
ہب ار دوخ ہار یتسر پات ب موسر، سوس حمان ی اہن و گاہب آب یرقت۔ درب شی پ ہب
ی اہراز آ ہطس اوہب یتدم، یگ نرمہ و شزاس حور۔ دوشگ یحیسم یاسیلک نور
نوچ اما۔ دوب ہدش راہم، درکایم لمحت یتسر پات ب ہطلس ریز اسیلک ہک یتخس
یگداس، تفای ہار ناہاش داپ ی اہخاک و اہراب رد ہب یتحیسم و، تفای نایاپ اہراز
و ناہاک۔ رورغ و ہوکش، نآ ی اچاہب و داہن رانک ار ونا لوسر و حیسم ہنانتورف
ی اہانتس و اہیریظن، ادختابل اطم ی اچاہب و؛ تفریڈپ ار تسر پات ب نایاور نامرف
تخاس نی زگیاج ار یناسن اذ ب جوم، مراہچ نرق لی اوار رد، نیطن طسق۔ یرہاظ نامی

ه‌دن‌اش‌وپ ی‌ی‌اس‌راپ زا ی‌ت‌روص ه‌ب ار دوخ ه‌ک ی‌ل‌اح رد، ن‌اه‌ج و؛ د‌ش ی‌م‌ی‌ظ‌ع ی‌ن‌ام‌داش
ت‌ف‌ر ش‌ی‌پ ت‌ع‌ر‌س‌ا‌ه‌ب د‌اس‌ف راک ن‌ون‌کا. د‌اه‌ن ماگ اس‌ی‌ل‌ک ن‌ورد ه‌ب، د‌وب
ار اس‌ی‌ل‌ک و‌ا‌ج‌ور. د‌ی‌د‌رگ ح‌ت‌اف، د‌ی‌س‌ر‌ای‌م ر‌ظ‌ن ه‌ب ب‌ول‌غ‌م ه‌ک ی‌ل‌اح رد، ی‌ت‌س‌ر‌پ‌ا‌ت‌ب
ی‌ع‌د‌م‌ن‌او‌ری‌پ‌ش‌ت‌س‌ر‌پ و ن‌ام‌ی‌ا رد و‌ا‌ت‌اف‌ارخ و، ا‌ه‌ن‌ی‌آ، م‌ی‌ل‌اع‌ت. ت‌ش‌اد ر‌ای‌ت‌خ‌ا رد
«د‌ش ه‌ت‌خ‌ی‌م‌آ‌رد ح‌ی‌س‌م

«این سازش میان بت‌پرستی و مسیحیت به شکل‌گیری «مردِ گناه» انجامید که در نبوت پیشگویی
شده بود که با خدا مخالفت ورزد و خویشتن را برتر از او برافرازد. آن نظام عظیم دینِ باطل،
شاهکارِ قدرتِ شیطان است—یادبودی از کوشش‌های او برای نشستن بر تخت سلطنت و
فرمانروایی بر زمین مطابق ارادهٔ خویش.» جدال عظیم، 49، 50.